

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۶ صفحه

پیکار

۶۴

سال دوم - دوشنبه ۳۰ تیر ۱۳۵۹ بهار ۲۰۰۱ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- گسترش حمله رژیم در بانه نشانی دیگر از سازش ناپذیری خلق دلیکرد صفحه ۵
- تهاجم وحشیانه پاسداران به کتابخانه هواداران سازمان در مسجد سلیمان صفحه ۱۵
- مبارزات دهقانان دشت ارزن همچنان ادامه دارد صفحه ۷
- رگبار مسلسل، پاسخ رژیم به دکه داران زحمتکش صفحه ۱۶
- فریاد علیه محرومیتها در "زورآباد" صفحه ۱۶

تقی شهرام، مبارز خستگی ناپذیر

سالهای خفقان چرا محاکمه میشود؟

۸ صفحه

کودتای آمریکایی، نقش ضد خلقی ارتش جمهوری اسلامی و حامیان آنرا بیشتر بر ملا میکند

نسخه در صفحه ۲

صادق قطب زاده: طرفدار "پابرهنه ها" یا سخنگوی امپریالیسم آمریکا؟!

مادی قطب زاده و سران بورجوا راجه جمهوری اسلامی ایران پس از زکند ارکنفرانس آمریکا شی ژنو (که منظور نفیوت نیروهای آمریکائی در افغانستان و نه انحراف کتاسدن مبارزان دمکراتیک - صدا میرا لیستی خلیج افغانسان تشکیل شده بود) در یک مباحثه مطبوعاتی سلفانی ایراد نمود که بار دیگر جبهه آمریکا شی اورابه نما بر کدانت وی آشکارا و سترما سه رژیم ضد خلقی با کسان یکی از سربرده - سرس رژیمهای واسعه امپریالیسم آمریکا در منطقه را بعنوان نخستین خلق مبارز افغانسان معرفی نمود و در پاسخ برش یکی از خبرکاران که سوالی رژیم صنا الحق اماره نمود گفت: "... من شما اس موضوع را سوال ندارم (اطلاعات چهارشنبه ۳ سرماه آشکارا دعا کرد که اس آنها مانی که سر رژیم کسان زده نمودند نفسا ارسوی کمونسهای شماره صفحه ۱۲

یاد نامه رفیق شهید مهدی علوی شوشتری

۱۲ صفحه

گرامی باد سالگرد قیام حماسه آفرین ۳۰ تیر

سعدا زرویدن کودتای آمریکا شی (۱) درون ارتش جمهوری اسلامی برهبری فرماندهان یمنین ارتش ملی (ما نند سپهبد مهدیون و نجفی (۲) نردوده ها و برافروخته شدن شعله های حمتان شست به ارتش اسلامی و کلیه حامیان آنها، هر یک از دو جناح قدرتمند هیئت حاکمه (جناح بنی مدروخناج حزب جمهوری اسلامی) با کزیر شدن نسوی نسبت به ارتش عکس العمل نشان دهد. جناح با اصطلاح لبرالها برهبری بنی صدر کما کان سیاست گذشته خود را نسبت به ارتش، منتهی با توجهات و تمسیرات جدید و عوا مغربانه تری، ادا مدها ده و برخط خودبای میخورد. اما جناح مقابل که در اس آن حزب جمهوری اسلامی قرار داره سیاست و عملگر گذشته خود را در مقابل ارتش بنا کسان! "فرا موث" میکند و خواهان "تصفیه هر چه سریعتر ارتش جمهوری اسلامی از افراد پلید و مزدور" میشود و تعرض تبلیغاتی



مبارزه خلق افغانستان و مزدوران سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم آمریکا

● چگونه در این مجلات مساوت با اصطلاح مهادان مصلحان افغانی به کار رگان ۵۱ کارگرافعی سهادت رسیدند. صفحه ۹

منتشر شد:

زمانیکه رویزیونیستها به آستانبوسی بورژوازی میروند

تکلمی به مذاکره بهشتی و دوتن از رهبران سازمان جریکهای فدایی (اکثریت)

سال دوم - دوشنبه ۳۰ تیر ۱۳۵۹ بهار ۲۰۰۱ ریال

گزارشی از ترکمن صحرا: «جشن گندم» و رویزیونیستهای سازمان جریکهای فدایی خلق

۵ صفحه

نماینده مبارز کارگران ساکا، همچنان در زندان بسر میبرد

۳ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

گودا...

و حتی عملی سختی را علیه جناح بنی صدر در رابطه با ارتش، آغاز میکند و بشدت جناح لیبرالها و شخص بنی صدر را مورد مواخذه و انتقاد قرار میدهد (رجوع کنید به بیانیه ماهدین انقلاب اسلامی ۵۹/۴/۲۰). و بدین ترتیب جناح مزبور ظاهراً تغییر موعوم میدهند. برای اینکه زمینه‌های چنین موقعی‌گیری‌ها را بهتر مشاهده کنیم و نیز کیفیت و چگونگی این "تغییر موعوم" را در این خصوص کا ملاحظه کنیم، الزاماً ما قدری به عقب بر میگردیم و بر سر خوردنیروهای مختلف را به ارتش بویژه بعد از قیام شکوهند بهین ماه مورد بررسی اجالی قرار میدهم. ولی قبل از آن ضروری میدانم اگرچه بسیار فشرده و موجز به ارتش‌نا هشتا هی بپردازیم. ارتش‌نا هشتا هی بر چه اساسی و چگونه تشکیل شد؟

ارتش مدخلقی‌نا هشتا هی در زمان رضا خان قلدر با هدف سرکوبی مبارزات خلقهای ایران و هرگونه جنبش‌ها استعماری و ضد استعماری و حفظ رژیم دست‌نشانده و منعمور رضا خانی بطور بلاواسطه شکل گرفت. پس از روی کار آمدن محمد رضا خا ش بجای رضا خان و بعد از تقویت آمریکا بر انگلستان در ایران و احراز نقش سلطه‌گر در حاکمیت اول در میهن ما، سیستم ارتش‌نا هشتا هی بتدریج شکل آمریکا‌ئی بخود گرفت و عناصر مروتور و رهبری کننده آن نیز طبقاً از میان کسانی انتخاب میشدند که سرپرستی شان نسبت به امپریالیسم جهان‌خواار آمریکا بلا حاشیه تشخیص داده میشد. با اسحال رهبری واقعی ارتش بطور کامل ملاموس و عربانی را س توسط خود آمریکا صورت میپذیرفت. بدین ترتیب بود که ارتش‌نا هشتا هی در جهت حفظ حکومت دست‌نشانده و مزدور آمریکا و حفاظت و حراست از منافع و مطامع بزرگ ارباب رژیم‌نا مزدور ایغای نقش میگرد. چرا که اساساً با چنین هدفی ساخته شده بود. و میدانیم که در راه هدفی چنین خا ش‌نا ه و جنا بکار نا به پلیدترین و وحشیانه‌ترین جنا ب‌نا نیز دست‌نا یارید. این ارتش آمریکا‌ئی گذشته از زمین ریختن خون دهها هزار ارتش از هموطنان مبارز و ستم‌دیده‌ها ن برای احقاق هدف فوق‌الذکر، به کشتار خلقهای منطفه، خصوصاً خلقی قهرمان عمان، و نجا و زبده حقوق مردم زحمتکش و محروم آنها نیز اقدام نموده و با نجا موطایف مدخلقی محول به از طرف ارباب امپریالیستش می پرداخت. این ارتش‌نا هشتا هی نیز از اصلی رژیم سرمایه‌داری وابسته‌نا ه خا ش نقش خود را به‌سپاری خون دهها هزار نرفراز هموطنان و خلقهای منطفه و ویرانی و بی‌خانمانی‌های بسیار برای آنها انجام داد و با طرایغای چنین نقشی بارها و بارها مورد تشویق رژیم‌نا ه و ارباب‌نا ه قرار گرفت تا اینکه با جنبش سیمان‌دو و پرتوان خلقهای قهرمان ایران در سال ۵۷ روبرو شد.

برخورد نیروهای مختلف به ارتش قبل و بعد از قیام

ارتش‌نا هشتا هی، اکنون که در مقابل دریای مواج و طوفانی سوده‌های ملیونی قرار گرفته بود، با بدبهر طریقی رمالت خود را که همان حفاظت از سیستم سرمایه‌داری وابسته و بالطبع منافع امپریالیستها و

علی‌الخصوص امپریالیسم آمریکا بود بخوبی اجرا نماید. و الحاق هم‌که از هیچ جنا ب‌نا ه و غیاب نشی در این راه خودداری نکرد. اما جنبش توفنده خلق قرا سر و گسترده‌تر از آن بود که با و شگری و کشتار ارتش متوقف شود. در این میان و در بر خورد به ارتش بمنا به‌بازر اصلی سرکوب، برخورد‌های گوناگون صورت پذیرفت. یکم: برخورد نیروهای کمونیستی و انقلابی بود که ضمن معترف بودن با این امر که بدنه ارتش اساساً ارتزوده‌های اقشار زحمتکش و متوسط تشکیل شده و در صورت آگاه شدن به همه‌جمله خلق و انقلاب می‌پیوندند بر روی این مسئله معروضه و با فشار میگردند که سیستم ارتش یک سیستم آمریکا‌ئی و سرکوبگرانه است و فرماندهانش را مزدوران آمریکا تشکیل میدهند و اینکه جهت دهنده و تصمیم‌گیرنده در این ارتش‌نا ه بدنه آن که سیستم فرماندهی آمریکا‌ئی ارتش میباشد. بر این اساسی سیاست صحیح در مقابل چنین ارتشی ضمن آمادگی کامل جنگی در مقابل آن، افشای مستمر این سیستم و فرماندهان مزدورش، کوشش برای جدا کردن بدنه از این سیستم می‌باشد. بعد از قیام، این سیاست اصولی متناسب با شرایط در شمار "ارتش مدخلقی‌نا یود با بدگرده" متبلور شد. نیروهای انقلابی و کمونیست‌خواهان از پسین بودن ارتش‌نا ه هشتا هی و تشکیل ارتش خلق ارتزوده‌های مبارز و انقلابی خلق و پیرسئل انقلابی ارتش بودند. آنها بر این واقعیت پای میفردند که ارتش‌نا ه هشتا هی هرگز با یک تقویه نیم‌بندیک ارتش مردمی نخواهد شد.

دوم: سیاست خا ش‌نا ه لیبرالها بود که بنا بر سر ما هشتا ن اتحاد نموده بودند و آن تلاش برای مصالحه و سازش با رژیم‌جنا بکار نا ه و مهم‌ترین ابزار سرکوبش یعنی ارتش‌نا ه هشتا هی بود. آنها در حالیکه ارتش‌نا ه تمام توان خود به کشتار رتزوده‌های قهرمان خلق اشتغال داشت. لیبرالها از طریق افرادی چون بازرگانان، سحابی و... این سیاست خا ش‌نا ه را تا هنگام قیام ادامه دادند. گرچه بدلیل اتوریته و کج‌میت سیاسی و منشی خود، بورژوازی مرفه‌ستنی سر جنبش، فا‌در شدند سیاست خود را بطور کامل اعمال نماید و هنگامیکه پس از قیام در قدرت شریک شدند تا منبری خود را بکار گرفتند که ارتش را بطور بوسا سازی کنند و مدعی شدند که ارتش‌نا هت در مقابل مردم مفاومت کند و الا انقلاب پیروز نمیشد. بنا بر این با بدفدار ارتشی اینچنین "مردمی" و "انقلابی" را شناخت و فی الواقع نتیجه‌ی گرفتند که ارتش (کل ارتش) باعث پیروزی قیام و سرنگونی رژیم‌نا هت شد. و قاحت و خباثت بورژوازی لیبرال‌بندی بود که اگر فاشا رتزوده‌های نبود و اگر قیام صورت نگرفته بود از اعدا آن محدود جنا بکار نا ه نیز جلوگیری میکرد. بهر حال ارتش از نظر بورژوازی لیبرال بعد از قیام همانند قبل از قیام "ملی" و "مردمی" بود مفا فا اینکه بعد از قیام اسلام‌ها رده و جنبش‌جنا ب اسلامی شده بود. بر این اساس میبایستی تمام توان و قدرتش را بکار می‌انداخت تا ارتش را با رسازی نماید. زیرا چنین ارتشی از ملرومات نظام سرمایه‌داری وابسته است و چنان نظامی بدون چنین ارتشی نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد و اینچنین هم‌گردولی البته بدلالی‌ی چند که مهمترینش خواست مفاومت و مست‌توده‌های خلق و پیرسئل انقلابی ارتش بود کاملاً موفق نشد.

سوم: برخورد خرده‌بورژوازی مرفه‌ستنی برهبری آیت‌الله خمینی به ارتش‌نا ه هشتا هی اگرچه برخوردی سازشکارانه بود ولی عیناً ما بتدلیسیرا لیا نبود اینچنان در حالیکه اکثریت عظیم توده‌های خلق را بدنبال داشتند و قوتوانا شی یک برخورد اصولی و انقلابی نسبت به ارتش‌نا ه بودند و در حالیکه ارتش از کشته‌های خلق پشته میساخت آنها خوا هت میگردند که چنین نکنند و آنرا مورد انتقاد قرار میدادند: "ما بتوکل میدهم توبه ما کلوله"؟ رهبری جنبش بدون آنکه کوچکترین اقدامی در جهت تسلیح توده‌ها بعمل آورد، حتی با نجا مختلف توده‌ها را از مبارزه مسلحانه بر حذر میداشت و ارتش‌نا هت با نندان مسلح را بر ارتزوده‌های خلق می‌خواهد. اما فرقی با لیبرالها این بود که خواهان سرنگونی رژیم سلطنتی بود و نمیخواست با فرماندهانی سازش‌کننده مفاومت رژیم سلطنتی بودند. خرده‌بورژوازی مرفه‌ستنی خواهان آن بود که ارتش از سلطنت دست بردارد (و فقط همین). به همین دلیل هم‌زمانیکه ارتش تسلیم شد (بدلیل مبارزه توده‌ها و ایضا سیاست آمریکا دا بر سر جلوگیری از مملانی شدن کامل ارتش) مسئله از نظری خا ش‌نا ه فته تلقی شد. ارتش‌نا هت گهان تغییر ما هیت داده و "ملی" شد و بدلیل "ملی" شدن و اسلامی شدنش رعایت سلسله مراتب (سلسله مراتب آریا مهی) ضروری و واجب شد. خرده‌بورژوازی اگر تا زمان قیام علیرغم نزلت‌نا هت سیاست‌ها شت کم‌بیش مهر خورادانت بعد از قیام خصوصاً در مورد مسئله ارتش پیرو بورژوازی لیبرال گردید و سیاستهای آنرا مورد نا شید قرار داد. از همین روست که ما می‌بینیم فرماندهان مزدوری که از جانب لیبرالها برگزیده میشدند، عناصری چون قهرنی‌ها، فلاحی‌ها، نادمه‌رها، باقری‌ها، علوی‌ها و... مورد سوءبیت ناموسا مخرده بورژوازی مرفه‌ستنی قرار میگرفت و اطاعت و فرمانبرداری از آنها واجب میگفت. زیرا اینها دیگر هر دو سیر و کمربند ساز نظام سرمایه‌داری وابسته، سته بودند. برای ترمیم بوسا سازی نظام مزبور و جلوگیری از امواج طوفانی توده‌ها و سه‌کنترل در آوردن آنها ضرورت ارتش با رسازی و بکار انداختن آن فرود گذارنگردند.

اما سیر زمان و تشدید اختلافات دو جناح قدرتمند هشت‌حاکم (جناح حزب جمهوری اسلامی و جناح با مصلاح لیبرالها) این امر را برای حریف لیبرالها مسلم ساخت که ارتش بطور انکارنا پذیری متعال به لیبرالهاست و خواهان پیسرد سیاست‌های آن‌هاست. میباید این سوکه تلاش زیادی را انجام داد تا بلکه بتواند ارتش را بدست بیاورد. تشکیل انجمنهای اسلامی درون ارتش و... از جمله کوششهای همین جناح است برای دست‌انداختن به ارتش. لکن وقتی با مفاومت تشدید لیبرالها در زمان بازرگان و خصوصاً در زمان بنی صدر روبرو شد، بویژه بعد از انتمصاب بنی صدر به فرماندهی کل قوا از طرف آیت‌الله خمینی به تقویت با داران و کمیته‌ها هت گماشت و این حرکت در جهت دست‌انداختن به ارتش (البته تا حدی که بزم خود به کل منافع هشت‌حاکم لطفه‌ایوار دستازد) بعد از کودتا ی آمریکا‌ئی اخیر که مشخصاً و در درجه اول این جناح را نشانه رفته بود بطور بسیار زیاد تشدید شد.

نصفه دوم صفحه ۱۱

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



توطئه جدید اخراج کارگران ماشین سازی

کارگران مبارز! اخبار آخرفرمانی مزدور طبقه ای حطابسه کارگران ماشین سازی یک بار دیگر چهره مدکارگری آریسان خود رژیم جمهوری اسلامی را بنمایانند. اطلاعات از کارگران مبارزان ماشین سازی (که در کنگسال گذشته با مبارزات حق طلبانه خود، همچون خاری در چشم دشمنان واقعی کارگران هماسدخارفانی هابودند) میخواهد طرفیک هفته (که بعدا به یکماه نمیدانند) برای به اصطلاح تکمیل کردن پرونده شان مدارکسی از قبیل برگ سو، پیشینه! ارضایت نامه از کارفرمایان قبلی!! سوابق کارکرد قبلی، میزان تحصیلات و سایرک با بیان خدمت را ارائه دهند.

همچنین اطلاعاتی داده میدهد که سابقه خدمت کارگران پیمانکارهای مجتمع فولاد فقط زمانیکه زیر پوشش صنایع فولاد درآمده اند مورد قبول است و سوابق قبلی از آنرا کارگران باید از پیمانکاران قبلی دریافت کنند.

با این ترتیب ابعاد طرح توطئه جدیدی برای اخراج تعداد زیادی از کارگران ریخته نشود و سپس با اعلام برنا به خود در مورد حق اخراج طرح توطئه کامل میگردد.

کارگران مبارز! همه میدانیم که برای استخدا مدر رژیم کارگری وابسته به امپریالیسمنا هخامنشین مدارک را از کارگران میخواهند. آنها سو، پیشینه و رضایت نامه کارفرمای سابق را جز مدارک استفاده قرار میدهند تا محیط کار را هر چه بیشتر به محیط امن برای مکیدن خون و غارت زحمتکشان تبدیل کنند. کارگران مبارز را اخراج و از استخدا مدر سر تا سرکوت جلوگیری بعمل آورند. تا هر کارگری ادا به زندگی خود را در دست آوردن رضایت کارفرمایان مزدور جستجو کند. آنها همچنین برگ پایان خدمت را میخواهند استندنا هسه را مخپور به خدمت در ارتش جنا پیکار رو وابسته به امپریالیسم و ادا رسانند.

و اینک رژیم جمهوری اسلامی که کارنا هه ۱۶ ماهه - اش چیزی جز سرکوت و کشتن کارگران و زحمتکشان و خلقهای مبارز ایران نبوده است با بهره گیری از مهره ها و مزدوران رژیم گذشته همچون خارقانی هابا درجا پای رژیم سابق گذاشته و از این طریق کارگرانی را که در گذشته با سرمایه داران زالیافت و دولت حامی آنها مبارزه کرده و زیر بار فشار روزگوشی آنها نرفتند شناسائی کرده و اخراج کنند. خواستن برگ رضایت از کارفرمایان قبلی نایدید گرفتن مبارزات قهرمانانه کارگران و زحمتکشان و با بسال کردن خون دهها هزار شهید است که در راه سرنگونی رژیم سابق ریخته شده است کدا مکارفرمای مزدوری در زمان شاه خاشن از مبارزات کارگران سر علیه خود را به دست جمع آوری اطلاعاتی در مورد میزان سواد و کار با بیان خدمت کارگران به همراه اسناد فوق نشان میدهد که با دیدگری خارفانی مزدور توطئه اخراج گروه

احمد رضا کریمی حصاری دبیر مبارزان سندیکا کارخانه ساکا همچنان در اسارت به سر میبرد

طور جدی تری علیه سندیکای کارخانه توطئه چینی کند چندی پیش افراد دیگری بعنوان هیئت مدیره برای کارخانه تعیین میشوند. اما چیزی نمیگذرد که اختلاف بین آنها و سندیکا بالا میگردد بطوریکه کارخانه را به خود میگیرند. دادستانی انقلاب سرخورد مذکور را بهانه قرار داده و در تاریخ ۵۹/۳/۱۱ طی نامه ای از سندیکا میخواهد که برای پاره ای مذاکرات به دادستانی مراجعه کنند. اما در محل دادسرای انقلاب بجای مذاکره با نمایندگان سندیکا، آنها را دستگیر می نمایند.

دستگیری اعضاء سندیکا اعتراض یکپارچه و خشم و نفرت کارگران را به همراه میآورد. بطوریکه تحت فشار آنها ابتدا پنج نفر از اعضاء سندیکا و پس از ۱۵ روز منتهی سندیکا آزاد میشوند. ولی دبیر سندیکا احمد رضا کریمی حصاری را همچنان در زندان نگاه میدارند. مقامات دولتی برای پراکنده کردن کارگران به بهانه تعطیلی تا بستنی اقدام به تعطیل کارخانه میکنند. اما کارگران تقریبا همه روزه اجتماع کرده و با هیبتهائی و اعتراض یکپارچه خود موفق میشوند توطئه تعطیل کارخانه و گرفتن تعهد برای بازگشتن به سرکار را احتمالاً اخراج تعدادی از کارگران را غشی کنند. این کارگران همچنان همراه خود ستار آزادی نامه خود میباشند.

آری رژیم کارگر جمهوری اسلامی که از تشکیل بقیه در صفحه ۱۵

نماینده زندانی، آزاد باید گردد

سندیکای کارگران کارخانه ساکا از پسند از تشکیل ندستن هموارده در معرض توطئه ها و تهدیدهای مدیران، سرپرستان و عوامل مزدور کارفرما قرار داشته است. عوامل ضدکارگر برای بی اعتبار ساختن این سندیکا در میان کارگران به اقدامات گوناگونی دست میزنند. مثلا یکبار با انتشار اعلامیه ای بسسه امضای گروهی از کارگران جاده کرج چند مورد اتهامات ساختگی را به دبیر سندیکا، احمد رضا کریمی حصاری نسبت میدهند. اما هر بار توطئه های آنها با هشیاری کارگران غش می شود و امتداد آنها نسبت به سندیکای خود بیشتر میگردد. تهدیدات و اعمال فشارهای حزب جمهوری اسلامی هم (بخصوص در موقع کاندیداتوری احمد رضا کریمی برای مجلس شورای ملی) را به جاسوسی نمی برد.

چند ماه پیش وزارت صنایع و معادن چند نفر را بعنوان نماینده کارخانه ساکا اعزام میدارد. این مدیران با سندیکای کارخانه به سرسنگارت و کنترل آنها بر توطئه به مخالفت بر می خیزند. اما با علت حمایت کارگران از سندیکای خود چنان منزوی میشوند که سپس از مدتی استقا میدهند و بی اعتمادی قدرت کارگران و سندیکای را عمل نظارت سرکار را پیش میبرد. استخفا مدیران مذکور و قدرت گیری کارگران و بخصوص سندیکای آنها برای رژیم که نسبت به هر گونه تشکل و اعمال قدرت توده ای کینه و دشمنی عمیق دارد، بزرگ تر است. از اینرو آنرا به بعد میگویند ظرفیت وزارت کار، شورای پیگیری انقلاب و...

اتحاد کارگران ضامن پیروزی آنهاست

آنگاه این کارگران مبارز به منظور حمایت از رفیق خود در مقابل سرمایه داران زالیافت دست از کار کشیده و اعلام میکنند "تا وقتی اوسرکار برنگردد ما هم کار نمی کنیم" این عده آنگاه در محوطه شرکت اجتماع کرده و دست به نظاره ات میزنند. سرکارگر مزدور که از اتحاد و همبستگی کارگران به وحشت افتاده بود، از آن قسمت می گریزد. سرانجام پس از یکروزه اعتصاب و مذاکره با مدیر شرکت، کارگران موفق میشوند رفیق خود را بسر کار برگردانند.

بدین ترتیب آنها پیکار دیگری به تجربه در مییابند که در مبارزه با سرمایه داران و عواملشان اتحاد و یکپارچگی کارگران و حمایت متقابل آنها از یکدیگر یکی از عوامل مهم پیروزی است. "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است"

حدودش ما همیشه یکی از کارگران قسمت بشکته آزی نفت پارس به علت بیماری و به تشخیص پزشک بیمه رای چند ماهه برگه استراحت میگردد. در تاریخ ۴/۱۸/۸۰ نگامیکه کارگر مذکور به کارخانه مراجعه میکنند - ارگرفست ازورود و جلوگیری کرده و میگویند: "توق ارکردن ندارای کارگرا اعتراض کرده و با مراجعه مجدد به دکتر برگه گواهی ای میگردد که لزوم استراحت برای ورادراین مدت نشان میدهد. اما سرکارگر با داشته اردیگر به بیانه نبودن دستگا به سر خالی ازورود و ه سرکار جلوگیری بعمل می آورد. کارگران قسمت شکسازی که از اینهمه وقاحت سرکارگر بیخشم آمده و دندمی گویند: "چطور وقتی که بیمه ریستیم - سره ان ما را می کشید ولی وقتی در ارتش راکار در جبار بیماری می شویم ما را مثل دستمال کهنه دور میزنند؟! "

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

خلقها و مسئله ملی



گزارشی از ترکمن صحرا:

« جشن گندم، و روزیونیستهای سازمان چریکهای فدایی خلق

فعل برداشت گندم که از اواسط خرداد ماه آغاز شده بود اکنون بیابان رسیده و خلق ترکمن بمناسبت پایان برداشت محصول گندم مطابق آداب و رسوم ملی خود جشنی بنام "جشن گندم" برگزار میکنند. امسال از آنجا که گاشت و برداشت گندم، بصورت شورائی انجام شده بود، این جشن از اهمیت و ارزش والاتری برخوردار بود چرا که براساسی میتوانست و میبایست جشن سیاسی بوده باشد. بهمناسبت برداشت و برداشت خورشید خیز خلق ترکمن با شد. اما بعلاوه کمیت سیاست روزیونیستی سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریت) بر قسمت اعظم بوده های ترکمن، که هنوز از تسلط این سازمان بخوبی آگاه نیستند، جشن گندم امسال از محتوای انقلابی و توده ای محروم بوده و خط سازشکاری و تسلیم طلبی در برتوان نمودار بود.

گزارش زیر تحلیلی است بر این خط سازش و تسلیم طلبی و روزیونیستهای سازمان چریکها، از آغاز تا پایان مراسم جشنهای ترکمن صحرا:

"جشن گندم" امسال در دو نقطه برگزار شد. جشن اول در روز جمعه ۱۳ تیر بدو اتحادیه روستائی توماج (بی بی شیروان) در روستای "بلمه سالیان" (زادگاه رفیق شهید توماج در خنده) برگزار گردید که در آن حدود ۳ هزار نفر از ترکمنها، معدودی از زابلی ها و عده کثیری از دانشجویان و روشنفکران دیگر نقاط کشور، شرکت داشتند. جشن دوم در روز جمعه ۲۰ تیر بدو اتحادیه روستائی جرجانی (با تار علیا) با شرکت حدود ۲ هزار نفر در روستای مذکور (زادگاه جرجانی شهید) برپا شد. البته در روز ۱۹ تیر نیز در "تار علیا" مراسم مختصری برگزار شد که به آن خواهم پرداخت.

هر دو جشن مذکور را سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریت) اداره میکرد و از اینرو آنچه که در این جشنها مشاهده میشد عبارت بود از خط سازش، تسلیم طلبی، نظیر رژیم جمهوری اسلامی و برپا گشتادن دستاوردهای مبارزات خونین خلق ترکمن

برگزاری این جشنها دوهدف عمده را دنبال میکرد: و ماضی توضیح مختصر این اهداف شرح بر نامه های جشنهای مذکور خواهم پرداخت. ۹۰ دوهدف عبارت بودند از:

۱- زدودن خاطره "ستادشوراها" و مبارزات توماج و دیگر رهبران شهید خلق ترکمن از اذهان بوده های ترکمن. جریان روزیونیستی سازمان چریکها، در روند حرکات و عملکردهای روزیونیستی خود، به این نتیجه رسیده اند که تشکیل شوراهای ترکمن صحرا با آن مضمون انقلابی و بوده های خود نیز تشکیل "ستاد مرکزی" این شوراها (هیئت مرکزی تشکیل شوراها) کارا نتایجی نبوده و نوعی جبر روی محسوب میشود! جبر روی ای که

نتیجه ای جز تضعیف دولت خدا میرا نیست! در بر داشت است، یعنی "ستاد مرکزی شوراها ی ترکمن صحرا" دولتی در دولت بوده و کارش در جهت تضعیف این رژیم پیش میرفته است! در ادامه همین سانس است و استروا نه

● روزیونیستهای فدائی (اکثریت) تلاش می کنند حتی یاد "ستاد مرکزی شوراها ی ترکمن صحرا" را که دست آورد بزرگ خلق ترکمن بود از خاطر ببردند و روستائیان محو نمایند!

نسبت به منافع خلق ترکمن است که آنها ادامه فعالیت ستاد مرکزی را سمورد و غلط دانسته و معتقد به وجود اتحادیه ها و شوراهای روستائی ترکمن صحرا شده اند. البته بدینسان این شوراها به هیچ عنوان مضمون انقلابی نداشته و در مقابل رژیم حاکم قرار ندارند، بلکه عمدتاً تشکیلی صفتی در جهت کمک به مردم در امرکاشت و برداشت محصول و سایر امور خدماتی و رفاهی عمل میکنند.

اما پیاپی ده کردن وحشی طرح این مسئله، کنار جندان سادهای نیست. خلق ترکمن پس از یکسال و اندکی که از تشکیل شوراها پیش میگذرد، در عمل و در جریان زندگی روزمره خود بیرونی اهمیت و نقش یافته در صفحه تبعید

گسترش حمله رژیم در بانه نشانی دیگر از سازش ناپذیری خلق دلیر کرد

مردم مبارز کرد!

در چند روز اخیر، نیروهای سرکوبگر رژیم، و حسانه منطقه بانه را با دیگر جنوب و حمله به سینه و با عت آورده شدن بخش عظیمی از مردم بانه و روستائیان منطقه شده اند. این یورش به بانه پس گرفتن ۵ گروهگان "جهدما زندگی" از سازمان انقلابی زمینگان (کومله) می باشد. رژیم جمهوری اسلامی با یورش و تهدیدهای گوناگون در اینجا تمهیداتش کردن و ناچار می گویند جدا نمودن توده ها از نیروهای انقلابی را داشته و بهنا و سن مخالف می خواهند به خیال باطل آب نظیر به اعمال و سیاستهای مدخلی خود ریخته و در ضمن جنگ احتمالی هتیمت خاکه را بر خلق کرد و از گونه ستان دهند. در این رابطه عمل کرده اخیر رژیم قابل توجه است. هفته پیش اعلامیه ای در سطح شهر از طرف ارتش و پادشاهان و جهاد سازندگی... بخش گردید. در این اعلامیه بعد از کوشش سپه ده برای مردمی نشان دادن

هموطنان مبارز، بخوانید و قضاوت کنید!

ما با راجحان با رژیم جمهوری اسلامی را در کردیم - استان - از کشتار مردم سد فاج در شهرها گرفته - تکلوله بیست مائیه های ما فرسوی - اعما کرده ایم.

منشی که در بر سر ملاحظه میکنید و سوخت کامل نامه فرماده هوا سرور در مورد ارسال هوا سرور است. که آتکاراد مقابل جانان رژیم در گردستان ران شده اعتراف کرده اند. این سید فدری گویا است که مسایلی را به توضیح در مورد آن نمی سیم. و قضاوت را بعهده خوانندگان میکند رسم و فقط مذکور می شود که سروری من اصلی سند و بار مهر "حیلی محرمانه" و یکبار مهر "فدا مریخ" خورده است. (سراجا محقق "سروری زمینی ارتش جمهوری اسلامی" است. همیشه تا کیدات در من سدا زما است - پیکار)

از هزارها معا و دست عملیات و اطلاعات بدت فراجا معا و دست عملیات و اطلاعات موضوع: عکس العمل برسل در هوا سرور بر سر گزارشات مبعده ای که از راجحانهای هوا سرور دریافت میکرد در بر سلی که از ما مورسهای غرب کشور مرا جمع می نماید سدا را ی روحیه بسیار خراب و اعصاب خرد و غیر قابل کنترل هستند و با توجه به تحریکات مداوم که در سطوح مختلف و از جمله دانشگاهها انجام میشود و با عت فراجا و بی در مورد اینکه هوا سرور در گردستان برادران و جوانان هزاران کرد حسیورا کشتار میکنند مرا جمع آنان به بگان به سنها توضیح اسفا را آنها کمکی نمی نمایند بلکه سرورین دوسان و انوا موحتی افراد خا بوده آنان که از در دستوری بر آتش داشته و با عت نامی دانند در منطقه و در کشور چه میکنند دست نشاندگان روحی و فکری و ایتمات آنان میگردند به خودی که ما را فرما دهان خسودار مورد سوال فرار داده اند که چرا ما را بدر گردستان برادر کشتی کنیم.

تا آنجا که من و فرماندهان آنان در جرجان اوضاع بوده اسمعی نه خفاق با آنان در مسلمان گذاشته شود ولی نشان از ساد و دلایل غیر کافیه به همین عنوان سیموا بدر مقامی با سنا سلسله است و احسانات برانگر طرف مقابل ساخته در نتیجه از تاریخ ۵۹/۲/۱۵ بر سر کورسات بلخی روزیونسل توسط فرمانده ارشدینا بکا ههای هوا سرور در اینجهان معددا بلغنی و لنگرانی به من گزارش داده اند که سنوانساران خلمان از کروه های کرمان، محمدنسیان، بیسیانی عمومی و مرکز مورس در آتش سنا سرور اجتماع و جوانان رروس شدن وضع و حکومتی آنجا که در غرب کشور میگردند از طرف مقامات مسئول مختصراً شخصی آقای دکتر حرمان شده اند.

تا مبردگان ضمن اینکه کتون بدون اسسنا کلبه ما مورسهای اراجایی را بحوا سدر بر اسر مخراب انجام داده اند و حتی ما را از لحظه یک مورد سرسجی اراجای دستوراً حسی رواروسدن سدا فرماندهان خاطر عدم اعتراف ما مورس سدا شده مدعی هستند که:

نفسه در صفحه ۱۵

نفسه در صفحه ۱۵

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

جنبش دهقانی



مبارزات دهقانان دشت ارژن همچنان ادامه دارد

قریب ۵ ماه از درگیری بین خولین و دهقانان دشت ارژن که منجر به کشته شدن یک دهقان بنام گهزاد قریبانی گشت، میگذرد. طی این مدت اهالی دشت ارژن به هردی زدند و پیش هر مقامی عرضحال بردند، اما مقامات رژیم تنها به خواستهای آنان توجهی ننمودند بلکه همه جا از خوانین پشتیبانی کردند. دهقانان دشت ارژن به تجربه فهمیدند که این رژیم برخلاف تبلیغات کرکننده در رادیو و تلویزیون و مطبوعات انحماریش نه تنها هدفشودال نیست بلکه با وروپشتیبان فتودال - هاست. بدنیال قطع امید از رژیم خود دست بکار شده و به تن از خوانین را که فمدا شدند خرمنها بشان را آتش بزنند دستگیر نموده و تحویل مقامات میدهند. اما این خوانین توسط "رئانی شیرازی نما بنده" اما مدرس را زوعوض شورای نگهبان و دوست خود شقایب آراژاد هدویا زده نفر نما بندگان دهقانان دستگیر

میشوند! دهقانان از این عمل ختمکننده و رزینج - شنبه ۵۹/۴/۵ حدود صد نفرشان در حالیکه هرکدام مادی در دست داشتند و بر علیه خان شعا رده، جلوی اسنادار - ی فارس تجمع میکنند. مسئولین اسناداری در را بروی آنها می بندند اما عده ای از دهقانان با چالاکي از دیوار بالا رفته و در را بروی بقیه با می کنند دهقانان محرا خواستار آزادی نما بندگان خود و دستگیری ومجازات خوانین بودند. جالب است بدانیم همین جناب رئانی چند پیش در اطلاعیه ای از کشا ورژان خواسته بود که در مقابل عوامل ضد انقلاب که قصد آتش زدن خرمنها بشان را دارند هوشیار باشند ولی اینک حداقل بردهقانان دشت ارژن روشن شده است که در این خرمن سوزی ربا نشیا و عوامل رژیم نیز دست اندر کارند! زسروش نما بندگان دهقانان هنوز خبری بدست ما نرسیده است.

پورش و حشیا نه پاسداران به نیروهای انقلابی در سامان شهرگرد

موج جدید سرکوب رژیم مدخلی به شهر کوچک سامان (منطقه جهامال بختاری) سرکشد. بعد از ظهر دوشنبه ۵۹/۴/۹ حمله پاسداران سرمانه به فروشنده نثره "کار" و دستگیری یک کارگر و پورا ره کردن مقالات دستنویس پیکار از روی دیوارها، با ردگیشان داد که ارجاع ناجه داد آکا هی مردم وحشت دارد. مردمی که سرچهارا شهر جمع شده بودند، ابتدا با وحشت توام با اسرار به این اعمال وحشیانه پاسداران (که بی شناخت بهنگار انقلابیون توسط ساواک نبود) می - نگرستند. ولی برودی با حرکت عده ای از مردم مبارز شهر که شمارهای مرک بر آمریکا، مرک بر ارجاع ... میدادند، صحنه عوض گشت و مردم با نظر هرات خود، شفر حویث را از این عمل وحشیانه پاسداران نشان دادند ... لیکن عملیات پاسداران شلولسیده است حاجاتمه نیافت زیرا بدنیال این جریان، نیمه شب پاسداران به خانه های چندتن از انقلابیون میروند و با ایجاد رعب و وحشت قصد دستگیری آنها را میکنند که با عکس - العمل مردم مواجه گشته و حتی مادر یکی از کارگران جلوی ماشین پاسداران خواسته و بر پاسداران بانگ میزند که اگر بخواد هیدفرزند مرا ببرید با بد از روی حد من رد شوند. زسان و کودگان در حماست از انقلابیون از هیچ کمکی دریغ نمیکنند و آنها را فراری میدهند اما پاسداران گستاخی و بیترمی را به آنها میسرمانند که برادر یکی از انقلابیون را بدون هیچ جرمی به گروگان میگیرند و آزادی او را منوط به تحویل برادر امیدانند.

چندی پیش نیز، دیوروشی دیگر - هر چند در سطحی کوچکتر با پاسداران میخواستند یکی از هواداران "پیکار" را که بفروش نثریه مشغول بود، دستگیر سازند لیکن با مقاومت مردم محبور شدند او را آزاد کنند. آری این جریانهاست پیش از پیش مردم ما را به ما هبت مدخلی این رژیم آکا خواهد ساخت و این جویبارهای کوچک آکا هی بزودی زود سبلی خواهند شد که امیر لیس و ارتجاع راه هجون برکا هی با خود خواهد برد.

(بسنقل از نثریه کوهرنگ)

باغ، میرریشی، چندین بار به مقامات دولتی شکایت کرد. یکی دوبا رک زاندا رما به عده مدد دهقانان به آنها جواب دادند که تقسیم زمین خواسته نام اهالی بوده نه کار عده بخصوصی.

تاکنون هرکدام از اهالی قریه "مالفجان" سر روی زمین خود کار می کنند و اکثری یکبار از محصول جای خود برداشت نموده، ندوجوانان مبارزه نثریا پیگیری و فعالیبت هرچه تمامتر، ضمن آوردن فشار بر شورابرای کار بیشتر بیف دهقانان، با تورا فعالانه همکاری می - کنند. پیروز با دما زرات زحمتگان ایران

(*) هر در زحودیک متر مربع است

اقدام انقلابی اهالی قریه "مالفجان"

زمین گروه سوم: دهقانان دارای ۷۰۰ در زمین گروه چهارم: دهقانانی که فاقد باغی بودند بعد از گوهندی دهقانان، از روز چهارشنبه ۵۹/۴/۴ تقسیم زمین آغاز شد و در پایان کار نتیجه بدینقرار بود:
گروه اول: شامل ۱۵ نفر: ۳۵۰ در زیر برای هر نفر
گروه دوم: شامل ۱۸ نفر: ۲۵۰ در زیر برای هر نفر
گروه سوم: شامل ۲۳ نفر: ۱۵۰ در زیر برای هر نفر
گروه چهارم: شامل ۴۰ نفر: ۱۰۰ در زیر برای هر نفر
علاوه بر آن، وسایل باغ مالک نیز مشتمل بر چند بیل، داس، زنبیل، متورسهای و متورسهای چای صادره گردید و قرا رنده در صورت احتیاج، اهالی دهبه نوبت از آنها استفاده کنند. یکی از دوبا باغ خانه مالک نیز بعد از ما دره به کارگری که مدت ۱۱ سال برای مالک کار کرده بود، متعلق گرفت و دیگری به یکی از اهالی بی مسکن داده شد.
مقداری از زمین برای کارهای عمرانی نظیر محل برای ساختن مدرسه را همایی، حمام، کتا بخانه و غیرتعیین شد و قرا رنده جوانان محل خودشان این منطقه را کشت نموده و پول محصول را برای کارهای عمرانی ده نگهدارند. یک قطعه زمین نیز از منطقه با برباغ، برای زمین ورزشی اختصاص یافت.
بعد از این اقدامات انقلابی دهقانان، مالک

قریه مالفجان "با ۲۴ خانوادهدون بسوق و حما ۱۴۰۰ در ۱۴ کیلومتری جنوب لاهجان قرار دارد. در این ده ماغ جای بزرگی در حدود ۲۱ هکتار وجود دارد. مالک قبلی این باغ، قنبرچهاردهی، زمینهای دهقانان زحمتکش را نیز بجزورت صاحب کرده و به باغ باغها فاه کرده بود. وارثین مالک بعد از مرگ او، باغ را به زمینداری بنام "میرریشی" ساکن رودس فروختند. در اواسط بهمن ماه ۵۸ زمزمه صادره و تقسیم باغ بین اهالی بگوش می رسید. اما با ظروست ده و کثرت جمعیت آن، تقسیم عادلانه زمین باغ، مشکل بنظر می - رسید. به همین سبب دهقانان برای تنظیم کارهای مربوط به ما دره و تقسیم، در اوایل اسفند ۵۸ شورای دهقانی خود را مرکب از ۵ نفر تشکیل دادند. تا تاریخ ۵۹/۴/۲ شورا نتوانست بر تقسیم باغ نظارت اصولی داشته باشد. هرکس قسمتی از زمین را برای خود برداشت - بود و هرچ و مرج بر قریه خاکم بود. به همین خاطر شورا تصمیم گرفت اقدام جدی بعمل آورد. بعد از گروهبندی و آما رگیری از کسانیکه مایل به گرفتن باغ بودند، شورا تقسیم باغ را آغاز کرد. جوانان ده نیز در انجام اینکار فعالیبت چشمگیر داشتند. گروهی اهالی ده بدین ترتیب بود:
گروه اول: دهقانان بی زمین، دهقانانی که زندگی - شان از طریق مزدوری برای دهقانان دیگری گذشت گروه دوم: دهقانان کم زمین، دارای تا ۴۰۰ در (*)

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

اخبار و مسائل جهانی



مبارزه خلق افغانستان و مزدوران سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم آمریکا

چگونه در اشرحات متناوب باصطلاح مجاهدان مسلمان افغانی به کارگران ۵۱ کارگر افغانی شهادت رسیدند؟

بعد از کودتای باندا و استهترکی، خلق زحمتکش افغانستان همواره با کودتاگران و باندهای مزدور سوسیال امپریالیسم مبارزه کرده و در این مبارزه بین خلق و ضد خلق در افغانستان، کمونیستهای راستین و نیروهای انقلابی و مترقی نیز دوش بدوش زحمتکشان افغانی بر علیه باندهای جنایتکار سوسیال امپریالیستی قهرمانانه بپیکار میکنند.

این واقعیتی است که رژیم وابسته شوروی با کمک ستیغ نیروهای اشغالگر روسی مردم افغانستان را غارت کرده و نیروهای مبارز آنرا سرکوب و کساری - نماندولی این نیز واقعیتی است که گروهها و سازمانهای اسلامی وابسته به امپریالیسم آمریکا در افغانستان فعال بوده و بطور سیستمی توسط "سا" متشکل و سازماندهی شده اند و از طریق رژیمهای ارتجاعی از قبیل پاکستان، مصر، عربستان سعودی حمایت میشوند. این دسته‌های فتودال ارتجاعی و وابسته که در پوشش اسلامی و بظاهری هدف خلق با رژیم ضد خلقی و مزدور حاکم در افغانستان "مبارزه" میکنند و افغانستان را حمایت رژیم جمهوری اسلامی ایران نیز سرخورده دارند خوراک تبلیغاتی مناسبی برای سوسیال امپریالیسم و نوکران آن در جهت تخطئه مبارزات انقلابی خلق افغان گردیده اند، چرا که این گروهها میز دور در حالی که خلق افغان با رژیم افغانستان می جنگد با همی رژیم مخالفت میورزند. این گروهها با رژیم حاکم مبارزه میکنند اما نه در جهت تامین منافع خلق بلکه برای تامین منافع ارتجاعی خود و ایابانشان. آنها با رژیم سوسیال فاشیستی افغانستان در فتنه انداختن در مقابل سوسیال امپریالیسم، قدرت و حکومت را برای خدمت هر چه بیشتر به امپریالیسم آمریکا در دست بگیرند. مادرشمارهای پیشین "پیکار" بخشی از اخبار و مدارک دال بر سرسپردگی این دستجات را آورده ایم، اکنون نترسنا به وظایف انقلابی خود یعنی بر مبارزه علیه همه امپریالیستهای میکوشیم تا عملکردهای آشکارا خاشنا نه این احزاب و گروهها را با زهر ملامت رسم، حال ببینیم این اخبار افشا کننده کدامند؟

"زیرا و ن برسید شد آ تا ن کند میکنند که "سا" سلاح در اختیار شورشیان قرار میدهد. وی گفت: "این شورشیان افغان هستند که در مرز جلوه و عقب میروند و با سلاحهایی که از پاکستان دریافت می - دارند در برابر نیروهای شوروی ایستادگی می کنند (اطلاعات ۵۸/۱۲/۱۱)

و با طبق حرد دیگری؛
گفته میشود که مبرکک نظامی نیز در اختیار افغانها میگذازد، اردوگاههای تربیت نظامی افغانها در مرز اردو هسه پیترا غا رکا رکز کرده است. (قا هره، آ سونستدیرس، اطلاعات ۵۸/۱۲/۱۳) و همچنین:

"ک نشر به عربستان سعودی گزارش داد که این کشور هفت میلیون دلار به مجاهدان مسلمان

رژیم پاکستان، مصر و عربستان سعودی به این نیروها کمک میکنند؛ زیرا این رژیمها وابسته به امپریالیسم آمریکا بوده و در جهت بسط نفوذ سیاسی خود در افغانستان به تربیت و ارسال نیرو میپردازند. این رژیمها دلان به حال خلق افغانستان سوخته، بلکه آنان در راه مافع امپریالیسم آمریکا اقدام میکنند. در واقع رفاتستین امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم در افغانستان در شکل مبارزه و جنگ بین رژیم ارتجاعی کارمل و نیروهای فتودال مذهبی وابسته شوروی نهادند.

این نیروها با راهبها را مورد حمایت رژیم جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته اند، حزب جمهوری اسلامی بارها بارها از "مجاهدان مسلمان افغانی" یاد کرده است. این "مجاهدان مسلمان" چه کسانی هستند؟ مزدوران امپریالیسم و یا کسانی که نا آگاهانه در خدمت امپریالیسم هستند می باشند؟

با بد صراحت تمام اعلام شد که "مجاهدان" آمریکا، رژیم ایران و حزب جمهوری اسلامی با خلق زحمتکش افغان و نیروهای مترقی و انقلابی آن هیچ وجه مشترکی ندارند. همچنان که مانند "کارمل" از خلق افغان جدا بوده و در صف خلق جاشی ندارد. چرا که هم آنان و هم حلقه بگوشان کرملین یک هدف دارند و آن سرکوب مبارزات دمکراتیک و فدا امپریالیستی بوده - ها و انقلابیون افغانستان می باشد. اینک ما حلقه‌های ارتزم رژیم جنایتکار سرکوب کارمل بر کارگران افغانستان و نمونه‌های عملیات یکی از این گروههای

- گروهها و سازمانهای اسلامی وابسته به امپریالیسم آمریکا در افغانستان فعال بوده و بطور مستقیم توسط "سا" متشکل و سازماندهی شده اند. و از طریق رژیمهای ارتجاعی از قبیل پاکستان، مصر و عربستان سعودی حمایت میورند.
- دسته‌های فتودال ارتجاعی و وابسته که در پوشش اسلامی و بظاهری هدف خلق با رژیم ضد خلقی و مزدور حاکم در افغانستان "مبارزه" میکنند و افغانستان را حمایت رژیم جمهوری اسلامی ایران نیز سرخورده دارند، خوراک تبلیغاتی مناسبی برای سوسیال امپریالیسم و نوکران آن در جهت تخطئه مبارزات انقلابی خلق افغان گردیده اند.
- آخرین خبری که از این باندهای مزدور بدست آمده است و حتی روزنامه "جمهوری اسلامی" که به سنگ حمایت از "مسلمانان مبارز" افغان را سپینه میرند، بدان اعتراف نموده است، دیدار نمایندگان این دستجات مزدور با سادات حائن میباشد.
- "کارمل" از خلق افغان جدا بوده و در صف خلق جاشی ندارد. چرا که هم آنان و هم حلقه بگوشان کرملین یک هدف دارند و آن سرکوب مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی بوده - ها و انقلابیون افغانستان می باشند.

وابسته را که بر عمر رژیم جمهوری اسلامی جزو اقداسات انقلابی!! مسلمانان افغانستان می تواندمحسوب نمود در اینجا می آوریم تا خلقهای میهن ما با ما همت هردو دسته جنایتکار آشنا شوند:

بروز هسنت (سما) در غرب شهر هرات، بیش از هزار کارگر در کده اکثر آنها از اهالی "سنان"، "آزادان" و "سیت الامان" می باشند. این کارگران ستم دیده و ستم خور و بیگانه و بیگانه خود شلاق استعمار را، حس میکنند و بخاطر بدست آوردن لقمه نانی، از صبح تا شام تحت بدترین شرایط کار میکنند. با همه ظلم و ستمی که از طرف دولت فاشیستی افغانستان بر این کارگران اعمال شده و میشود. در اوائل بهمن ماه ۵۸ هر یکهای "حزب اسلامی" تحت رهبری فرد مزدوری بنام "گلبدن" به کارگران میگویند که "شما کارتان را تعطیل کرده و به سرکار تروید". کارگران پاسخ میدهند: "ما عا نلله داریم و مجبوریم تا خانواد خود را سهر ترسیمی شده پیدا کنیم، اگر شما (چریکها) می توانسد کاری به

افغانی که با نیروهای روسی می جنگد کمک بیاورند کرده - و این کمکها ادا به خواجده داشت. (آ سونستدیرس، اطلاعات ۵۸/۱۲/۱۴)
این احزاب که اردسکاهای مسلمانان امپریالیستی و از طریق مطبوعات وابسته به رژیم جمهوری اسلامی نقل شده ما هیت این گروهها و دستجات راستین می دهند. آخرین خبری که از این باندهای مزدور بدست آمده و حتی روزنامه "جمهوری اسلامی" که سنگ خطی است از "مسلمانان مبارز" افغان را سپینه میرند بدان اعتراف نموده است، دیدار نمایندگان این دستجات مزدور با سادات حائن می باشد (جمهوری اسلامی دوشنه ۹ سپرمه) -
از جمله این گروهها میتوان از "حزب ملی" "تحریک انقلاب اسلامی"، "جمعیت اسلامی"، "حزب اسلامی" و "جنبه نجابت افغانستان" نام برد که اخیرا برای ملاقات با سادات مزدور به مصر رفته اند. اخبار فوق بیکم دیگر ما هیت ارتجاعی نیروهای "اسلامی و مبارز" "فوق" را بنمایش میگذازد. چرا رژیمهای سر برده‌ای ما نتند

بقیه از صفحه ۶

گزارشی از...

در طی مسیرومت با اتومبیل‌های خودبا انکسور ت
ملحاحه مینی بوسها ، ما نور میدادند .
در پایان این خوارش من پیام "تا با ما ز" را که
بعنا سبت "جشن گندم" به اتحادیه روستائی جرجانی
(تا تا رعلیا) ارسال شده است ملاحظه می کنید .
پیام "تایماز" به اتحادیه روستائی
جرجانی (تا تا رعلیا) بعنا سبت "جشن گندم"
جشن گشت و برداشت شورائی گندم
خلق مبارز ترکمن! روستا شان زحمتکش ترکمن
صحرای!

امسال جشن گندم در درنا بطی برگزار می کنیم
که محصول دسرنج یکساله خودمان را بدست خودمان
برداشت کرده و از طریق شوراها بصرف لازمه میرا نسیم.
این پیروزی بزرگ ، یعنی امکان برداشت کامل
محصول بدست خودمان نتیجه بلا فصل و طبیعی شوراهاست .
مادر با ما کیمیت شورا شی بر سر زمین مان بود
که بوا سبتا هم زمینداران و بسته رژیم‌ها می آنها
را از زمین هایمان بیرون رانده و علاوه بر اینکه دهها
هزار هکتار از زمین هایمان را که بوسیله زمینداران
وسرا به داران رژیم قبلی تصرف شده بود مصاصا در ه
انقلابی بنما شیم . در با با اتحادیه های سراسری و
"ستاد مرکزی شورا های ترکمن صحرا" حاکمیت سیاسی
نوده ای خودمان را هم بر سر زمین مان برقرار نما شیم .

بقیه از صفحه ۵

هموطنان ...

۱- ما از آنچه که در غرب کشور میگذرد بی اطلاعیم
و علیرغم او مرر هرا انقلاب ، (زمان اجرای دستورات
کور کورا نگذشته است) فرما ندان بگانهای پیشیا سی
شونده نهایت سو استفاده را از وسائل ارتباط جمعی
نموده و در موا ر دیکه دستورات مادره از طرف آنان سا
هیج منطق و مقررات و موازین عقلانی جور در نمی آید
اجا ما موریت را با تهدید سلاح و آنها مضا انقلابی
بودن تیرباران کردن متهمین به ما تحمیل نمی
نمایند .

۲- در محل ما گفته میشود که فلان اتوبوس با
مینی بوس یا رنگ و مشخصات فلان وسعما نا حاصل
تعدادی عنا مرصدا انقلاب و میا جمعی ملح است که در
مسیر با مشخصات معین در حرکت است و با بدیه هرتربس
که شده زمین برود .
با اطمینان به اطلاعات و بنا کیدات ما موریت
اجرا میشود لیکن بعدا معلوم میشود که اطلاعات آنان
صحیح نبوده و در نتیجه دانسته و بدست ما تعدادی بی
گنا گشته شده اند و در نهایت تا نصف در میان روز و سیا
روز بعد مرا تیب با ذکر تعداد دگشته شده ها و زحمی هیا ،
(هفت نفر کشته ۱۳۰ نفر زخمی) از رادیو روسی کشور
در زمین اجبار رینترونا کید میشود که این عمل توسط
هلیکوپتر هوا نیروزا اجرا میگردند است (مرا جعه گند

به بیکار ۵۳ و همچنین به اطلاعات ۵۹/۲/۱۰- بیکار)
۳- فرما ندان و بگانهای هوا نیروز آماده در
منطقه عملیات انتظار دارند از عملیات رزمی و حنا
بنا شی بر سبل و موا ثل گرفته ما حمل آب و سوخت و
نیما و همچنین حمل مجروح و جاد دگشته ندگسان
وسلا لاجسرها حاشی که مدرب هلیکوپتر و
جنا رت و اجنا نا حنا ققت خلبانان اجا زه مند ها از این
بگان حنا و آسیب پذیر بدون سوچه به ارتش و اهیب
آن در کلیه سطوح سازمندیهای مملکت بطور صحیح

خلق مبارز ترکمن!

رژیم پوتنه نسومی را برای نابودی شوراها سی
انقلابی مان نذارک دیده و پیش از سرکوب نظامی که در
جریان جنگ ۱۹ سپهمن ۵۸ در ترکمن صحرا عمل آورد ،
از آن بعد ، کا مگا موبه انواع و سا ثل و دسیمه ها
بیش می آید تا بتواند هر روز که می گذرد ، میخ خود را
در منطقه بیشتر کوبیده و دستا وردهای انقلابی مان را
که مهم ترین شان کاشت و برداشت شورائی محصول و
حاکمیت شورائی بر منطقه بوده است تا نبوده کرده و
حاکمیت ضد خلقی و ضد مردمی خود را بر منطقه برقرار
سازد .

اتحاد محکم خلقی ما در درون شوراها ، بیونند
مبارزاتی مان با مبارزات سایر خلقهای میهن ، جلو-
گیری از بهما رز رسیدن شوراها با مان با رژیم افنا و
طرد کامل سازندگان و میقاومت در مقابل سنا سبت
بیشتر نوده کا مگا م رژیم است که می تواندمتنص کسب
حاکمیت سیاسی شورا های مادر منطقه بوده و امکان هر
گونه خیانتی را به دستا وردهای مان منتفی گرداند .
"کوشینما" جشن گندم " را به جشن پیروزی
مبارزات کلینة خلقهای میهن مان در
برقراری اوائی مستقل و دمکراتیک ،
یعنی برقراری "جمهوری دمکراتیک
خلق" تبدیل کنیم !
" سنا سبتار"
جمعه ۲۰ ستر ۵۹

و با غلط استفاده ما بند و علیرغم کلیه گزارشات و
تکالیفات که چند نما توسط بر سبل هوا نیروز و سیا از
طریق نارماسی مربوطه انجام داده کوچکترین تا شیوری
در بهمودا و ما با سنا مان منطقه عملیات نداشتند
اب با سوچه به مراتب فوق که گوشه ای از بنا را حنا ها
و در ددل آنان بوده و بنا حنا شی که برای ملاقات آقای
دکتر جمران در جهت روشن شدن در مورد مسائل موجود
منطقه غرب کشور داشته اند چگونگی در ساعت ۱۱ همان روز
بعلت بستی بودن نسما فرما ندی نوا جا بمرس
حاشین نوا جا و سبب بعرض نسما ربا سبت نسما
مشترک رسیده مقرر فرمودند که این دعوت توسط مس
از جانب آقای دکتر جمران بعمل آمد .

در سنا شی که ما دفتر ایشان گرفته شد اظها گردید
که حنا با آقای وزیر دفاع در جلسه هشتاد که بنیا مزیور
سوسط هما قرارن "تا سیده جی" و "پورنغمه" و "سنسوان
عابدی" بعرض رسید که فرموده بودند که این مطالب به
ایشان ارسالی ندارد .

با عطف توجه به مراتب فوق و اینکه حتی خود من هم
بمعنوان فرما ندی هوا نیروز که امروز سببگین ترین
قسمت با رزادوش میکنم در جریان چگونگی آنچه
که در غرب کشور میگذرد در نسیم و موا فقط به ما مسور
بلاغ او مرما دره در مورد اعزام هلیکوپتر از زده بالا
به بگانهای سراسر مرخود می با شیو چها به دلایلی از
حمله بدی آب و هوا ، عدت مین در منطقه و غیره در اعزام
هلیکوپتر و اجا ما موریتی ، تا خبری بوجود آید خود
وسکا نم هدف آنها مات و انتقادات شدید فرارخوا هم
گرفت ، اسندا ما مشخوف قیل از اینکه اثرات تبلیغاتی
زها کین و همه جا نبه دشمنان سبب ایجاد تشنجات غیر
قابل کنترلی گردد ، مقرر فرما شید تر نیسی داده شود
که هیئت صلاحیندا رسمطور روشن ساختن اذهان عمومی
پرسنل ارتش و بخصوص هوا نیروز به یادگانه ها و
با بگانهای اعزام و با ابراد سخترانی و با سخگوشی
به سئوالات آنان بپشگیری لازم در جهت رویدادهای

بقیه از صفحه ۹

مبارزه خلق...

ما بدهد که مرد بخور و بگیری داشته باشیم و با اکسیر
سازمان با افرادی تا من معارج زندگی ما را بعهده
بگیرد ما حاضر می سلاح گرفته بر علیه دولت فاشیستی
ضد خلقی و ضد اسلامی ... جنگیم . بدنبال آن چریکها
- ی اسلامی بدون هیچ دلیلی کارگران را دستگیر و
با خود به کمیته اسلامی می برند و در آنجا از کارگران
توبه نامه میگیرند . اما کارگران با تمام این احاقات و
زور کوشیها برای تسهله نامه مان خود دوبا راه بر سر کار
خود میروند . اما هنگام رفتن سرکار در اتوبوس ، توسط
چریکهای اسلامی به رگها ر میسل سسته میوند که در
نتیجه آن بسن از با زده نفر کارگران کشته و چند نفر
زخمی میگردند . این یورشهای وحشا به چندین بار
نسبت به همین کارگران تکرار میشود و پس از هر حمله
کارگران سها چها روز دست از کار میکشند . در سراسر
حملات متناوب ما هدا ن!! با کارگران سبدا ف حدود
۵۱ نفر از کارگران حان خود را دست می دهند . (۱)

بدین ترتیب می بسیم به سنها دولت مزدور کارمل
مردم افغان را قتل عام می کند بلکه همچنن "ما هدا ن
مسلما ن" نیز در کشتار روسکوب توده ها تریک می با سند .
نوده های آکا و سیروهای انقلابی و افعی برای استقلال
و آزادی میهن خود را ضد سلطه و نفوذ همه امپریالیستها
مبارزه میکنند . لیکن ، حزب و رگسسته و خاش نوده ها
انگت گذاشتن بر دستهای مزدور اسلامی بر ما هست
انقلابی خشتن ضد سببالی امپریالیستی خلق افنا -
نستان برده سنا زفا کنده و مرزین انقلاب و ضد انقلاب و
خلق و ضد خلق را محدود سنا زد و حنا و اسود میکند
که سنا زده انقلابسون کمیوسبت و نوده های آگاه و رزمنده
افغان سنا ، مخالفت نشودا لبها و بر حنا سنا و سنا ن
آمریکا با دولت "انقلابی" و "خلق" سبک کار میسل
می با شد!!

حال با توجه به تسلیمات مزدوران سوسال امیر
- با لیم و فعالیت مزدوران امپریالیسم آمریکا در
افغان سنا ، ما با ریدگر ، صخلق افغان سنا را از صف
سوسال امپریالیستها و کارگران آن و سنا جزا ب
و جمعیتهای حیره خوار امپریالیسم آمریکا جدا نموده
و تر دیدی نداریم که نوده های زحمتکش و کمیوسببهای
واقعی و سیروهای انقلابی افغان سنا در مسازرات
خونین خود ، هر دو را روسته حلقه بگوش امپریالیستهای
روس و آمریکا را به زباله دانی تاریخ خواهد سبید و
بر خلقهای مبارز میهن ما ست که با حمایت از مبارزه
نوده های انقلابی افغانی بر علیه رژیم ضد خلقی حاکم
و با اقتضای ما هست گروههای مزدور ، صفا انقلاب را در
افغان سنا تقویت نماید .

(۱) - طبیعی است که ما در اینجا فقط نقل قول
کرده ایم و بیروا ض است که این نسیم معنی تا شید
مواضع کارگران فوق است .



آتی به عمل آورد و همچنین با پخش حقایق و مطالبی
که از نظر ملت ایران بیوشده شده است از طریق رادیو
و تلویزیون و همچنین در مطبوعات ، تا به بزرگتی
ها و تبلیغات مسموم علیه پرسنل ارتش خامه داده شود
فرمانده نیرو و سرتیب خلبان اسکندر عامدی - محل افنا

مبارزات کارگران شرکت گسترش مسکن اصفهان

شرکت گسترش مسکن که در نزدیکی اصفهان واقع شده با حدود ۴۰۰ کارگر مشغول ساختن یک شهرک مسکن است. کارفرمای این کارگاه "شرکت نفت" است. در ابتدای پروژه کارگران از بسیاری از حقوق مسلم خویش محروم بودند، اما بدینال مبارزات چندماهه توانستند بعضی از حقوق اولیه خود را بدست آورند. از جمله دستاوردهای مبارزات این کارگران تشکیل شورایی است که از همان ابتدا مورد حمایت شدید کارفرما واقع شد ولی تا امروزه حمایت خود را ادامه داده است. در خلال ۹ ماه گذشته با سطح شرکت نفت به خواستههای کارکنان این شرکت همواره وعده و وعده داده شده است. کارگران که از زندگی شرکت نفت در مورد انجام خواستههایشان به تنگ آمده بودند در اعتراض خود را ادامه دادند و در دو روز از مهندسین ساظرگاه از زمان مرخصی کارکنان به کارگاهان میگیرند. توطئهها و تلاشهای کارگران با لایتنهها، ماموران ژاندارمری و سایر ماموران برای آزار کردن کارگران در برابر آنها و متبکبارجه کارگران بجای نمیرسد.

سرانجام در حضور نمایندگان استان اصفهان بدینال تمهید شرکت نفت مبنی بر پاسخ گویی به خواستههای برخی کارگران و تسریس آرائنگه شورا از کارگران نظر خواهی کرد و کارگاهها آزاد شدند.

توطئه اخراج کارگران "بام رو" و مقاومت آنها

بدینال مبارزات بنیگر کارگران شرکت "بام رو" آغازی در جهت بدست آوردن ابتدائی ترین حقوق خود در رابطه با توطئه های کارفرما اسک ۴۵۰ نفر آرائنگه در آستانه اخراج قرار گرفته اند.

کارفرمای ضدکارگران شرکت منظور از رسیدن سابقه کارگران و نیز استنفا هر چه میسر آید و همچنین سرکوب کارگران مبارز شرکت در تاریخ ۵۹/۳/۳۱ حکم اخراج ۲۵۰ تن از کارگران را صادر می نماید. اما مقاومت و اتحاد و یکپارچگی کارگران کارفرما را باعث نشدند و او را نتوانستند سرکوب کنند. موفقتا حکم اخراج را لغو ساختند.

کارفرما وعده ای که در اجرای توطئه خود ساخت که مواجده می نمودند در دستگیر و اردو غلام می کنند که میخا هند شرکت را منحل نموده و طرح آسرا به "طرح گسترش" واگذار کنند.

کارگران در برابر حمله جدید کارفرما بطور یکپارچه دست به اعتصاب زده و خواستار بدست گرفتن مستقیم امور شرکت می گردند. آخرین خبرها کست که کارگران "بام رو" جهت تحقق خواسته های شان تا تاریخ ۵۹/۴/۲۰ در اعتصاب بسر می بردند. از نتیجه این اعتصاب خبری بدست ما نرسیده است.

کمکهای مالی دریافت شده

۱۰۹۹۰۰	ک	۲۲۰۰	۳۰۰۰
۲۷۵۰۰	ص	۱۰۹۰۰	۵۳۰۰
۹۶۰۰	ع	۵۵۰۰۰	۱۱۲۰۰
۸۵۰۰	ب	۴۰۰۰	۲۵۰۰۰
۱۴۰۰۰	پ	۲۲۰۰	۱۸۰۰۰
۱۱۰۰۰	خ	۴۵۰۰	۱۴۰۰۰
۸۱۰۰	ف	۵۵۰۰	۱۹۸۰۰
۱۰۰۰۰	م	۶۵۰۰	۱۶۰۰۰
۲۲۵۰۰	ج	۶۲۳۰	۱۲۱۰۰
۹۰۰۰	ح	۷۵۶۰	۱۲۰۰۰
۱۲۸۰۰	ح -	۱۵۰۰۰	۱۵۰۰۰
۲۸۰۰	ح	۹۰۰۰	۵۵۰۰
۲۸۸۰۰	ق	۵۵۰۰	۷۵۰۰
۵۷۵۰	ق	۸۲۰۰	۶۱۰۰
۷۵۰۰	ق	۲۲۷۱۰	۵۱۵۰
۹۵۰۰	م	۶۱۰۰	۴۱۰۰
۱۱۳۰۰	ک	۶۷۰۰	۱۴۰۰۰
۱۳۳۰۰	ک	۵۷۰۰	۳۵۰۰
۱۲۲۰۰	ن	۶۱۰۰	۱۰۰۰۰
۴۸۰۰	ن	۱۱۴۰۰	۲۳۰۰
۳۰۰۰	ز	۱۶۵۰۰	۲۸۰۰
۳۲۴۰	ز	۶۷۰۰	۱۶۰۰
۳۰۰۰	ز	۱۷۸۰۰	۲۶۱۰۰
۶۰۰۰	د -	۸۳۰۰	۲۷۰۰
۲۷۸۰۰	و	۳۲۷۰	۳۶۲۴۰
۲۳۰۰۰	س	۲۲۷۰۰	۶۰۰۰
۵۹۸۰۰	ش	۶۶۰۰	۱۷۵۰۰
۱۷۸۰۰	ک	۶۸۰۰	۷۰۰۰
۵۳۰۰	ج.م	۸۰۰۰	۵۱۵۰

- ۱ - رفقای کارگروه ادرارمان در گیلان مبلغ ۲۰۰۰ و ۳۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت کردند.
- ۲ - رفقای کمیته معلمس مبلغ ۲۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
- ۳ - بدرا رحمتدرفیق شهید مبلغ ۳۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت کردند.
- ۴ - رفقای هوادار زمان در محرمه (حرمشهر) مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.

★ ★ ★

بقیه از صفحه ۱۶

رگبار...

نیم ساعت بعد از ختم شدن شورش در ۶ دستگاه مربوط به شهرپا نی و چندین تن از رنجهای شهرپا نی به همراه عده ای با تعداد کمی خودتیرسار حمل میگردید، به محض زده آمدن همزمان با محاصره ساختمان بقیه ده کاران خیابانهای مقد و انقلاب نیز خود را به ساختمان شهادتی رساندند. اما مامورین بدست تمام زور و آتشی به محوطه شهادتی جلوگیری کردند. تا ساعت ۸ شب هم سرورده کاران و مردمی که بیرون از محیط شهادتی مانده بودند با شعارهای "دکده دارما بدست میگیریم، دکده دارما بدست برما به - دارما بدست" و با بیخ اعلامیه های متعددی زدند - داران متحصن حمایت نموده و زورگوشی رژیم را محکوم کردند. ساعت ۸/۵ بیش از ۶۰ مائین بنرمملو آریاداران و چند سرباز شهرپا نی وارد محوطه شهادتی شده با دادن ۲۰ دقیقه مهلت به متحصنین خواستار خروج آنها از محل شدند.

گروه های مختلف ده کاران به مسئله ۲۰ دقیقه مهلت از زوایای متغای بی برخورد میگردیدند و گروهی از آنها بدستی بدلائل عدم پشتیبانی کامل توده ها (بعملت و بیژگی شرایط محل، شمال شهر و...) تا ریک شدن هوا و تجربه ای که از برخورد های وحشیانه با آداران با تخمین بنیکاران و زحمتکشان داشتند، متغری شدند و تجمع با برنامه محدود در زمان دگر مطرح میگردید ولی اکثریت ده کاران بدلیل عدم تجربه کافی در مورد شرایط و اشکال مختلف مقاومت در برابر رگان - های سرکوب رژیم مردمی و احساسات ختم انگیز خود حاضر به ترک محل نشده و می گفتند "تا روشن شدن وضعیت در شهادتی متحصن خواهیم بود".

بعد از تمام مهلت ۲۰ دقیقه ای ماموران مسلح رژیم تیراندازی را شروع کردند و همزمان با حمله به ده کاران زحمتکش متحصن با پر تبارک آتشی و



رفقا!

- باتلاش هرچه بیشتر بنیکار رایخش کنید.
- با هم امکانی که دارید بنام تاریخی مقالات و مطالب بنیکار را تکثیر و بخش نمایید.

یادنامه رفیق شهید مهدی علوی شوشتری

ارسان رفیقا:

مهدی علوی شوشتری فرزند لبرخلی در سال ۱۳۳۳ در شهر اهواز متولد شد. زمانی که دوران طفولیت را سپری میکرد خانواده اش چندین مرتبه سیوند و قمشه مهدی در کلاس چهارم دبستان درس میخواند. پدرش برای ادا به تحصیل در رشته پزشکی به تهران میبرد. مهدی از همان دوران کودکی علاقه عجیبی به مطالعه داشت و اولین آشنائی ذهنی و تشویق او از کتابهای صمد بهرنگی شروع میشود. مهدی تا گرد صد میگرد. با خواندن هر یک از کتابهای صمدی آموزنده چگونه به زحماتشان نزدیک شود و به آنها عشق ورزد.

اولین تجربیات سیاسی خود را از سن ۱۴ سالگی شروع میکند و در جریان نظرات و اعتقاد شرکت و اتحاد شورسوسی تهران که با طرز گرامی بلیسب انبوش صورت گرفت بحرم پیش اعلامیه مورد تعقیب ساواک قرار میگیرد. بعد از آن در سال ۵۹ که مصادف با بزرگاری جشنهای منحوس ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی است، قبل از شروع جشنها همراه عده ای دیگر از افرادی که مورد ترس و وحشت رژیم بودند، دستگیر میشوند و حدود ۸ ماه در زندان بسر میبرند.

بعد از فارغ التحصیل شدن پدرش دوباره به شهر اهواز باز میگردد. ولی این بار مهدی با روحیه ای تازه و با دیدی تازه زندگی میگذرد. خودش برقرار از تحریک و فعالیت است. در دبیرستان بزرگمهر اهواز ادا به تحصیل میدهد. از کارهایی که در دبیرستان انجام میدهد، سروسا مان دادن به وضع متروک و بیلا - استغاده کتابخانه دبیرستان است. فعالیت زیاد میتواند تریسباز خوبی در محیط دبیرستان روی نگردان بگذارد. رفیق مهدی از تعداد دانشگرددان انگشت شماری بود که استعداد فوق العاده ای در یاد ریاضی همه چیز داشت و بی اغراق یکی از مغزهای ریاضی بود. در دبیرستان شوالائی میگردد که دبیران از جواب دادن به آن عاجز بودند. هوش فوق العاده او دبیران را متحیر میکرد. با توجه به این امتیازات که داشت، مورد علاقه تمام کسانی بود که با او آشنائی داشتند. در دوران دبیرستان موفق به باخس فرستنده ای شد. به جرات میتوان گفت مهدی آنچه را که اراده میکرد میتوانست انجام دهد.

در همین سالهاست که تصمیم میگردد از رابطه خویشاوندی محل مناسبی درست کرده کار را با آنها بصورت محفل های فامیلی شروع کند. در این محفلهها مسائل اجتماعی را تجزیه و تحلیل میکرد و جوانان فامیلی را به خواندن و بازمخواندن کتابها تشویق میکرد. در سرش بود تشویق مینمود که سبب شد تعداد زیادی از جوانان را بیدار کرده و با مسائل سیاسی آشنا نماید.

رسم مهدی در سال ۵۲ که محاکمه کلسرخی و دانشان شروع می شود، نمیتواند آرا بگیرد. با بمردی رینا و مت این دو فرزند لبرخلی و دفاع آسان از زحماتشان در سدا دکانهای شاه جلا تا نوعی روی او متکد را با واک اوراد در حین اجرا علامه سمسما است. اعدا میخواندند آنها دستگیر میگرد. با توجه به خصلتیهائی که رفیق مهدی داشت از نظر ساواک ساخته



شده بود و ساواک مترصد فرصتی بود که او را دستگیر کند. ولی رفیق مهدی نواست با زرنگی شما آنها را فریب دهد و در نتیجه بیشتر از دو ماه در زندان نشود و آزادند. در فروردین ماه ۵۳ با لورفتن یک محفل دانشجویی که رفیق مهدی با آن در ارتباط بود، دستگیر میشود و اینبار ساواک خوشحالتر از دفعه پیش بحیال خام خویش ساواک را بداند اذیت است. این بار رفیق مهدی سه سال حبس محکوم میشود که دو سال آنرا در زندان اهواز بسر میبرد. در زندان رفتارش طوری بود که تمام زندانیان عادی او را دوست داشتند. در اهواز او اولین کسانی بود که در برابر سرشی چریکی غیرتورده ای، موضع

فاطمی داشت. همیشه میگفت: "با کار سیاسی - تکنیکالی و تکیه بر توده ها میتوان به پیروزی رسید". بیکال آخر حسن را در زندانهای تهران بسر برد. پس از آزادی چون به زبان انگلیسی تسلط کامل داشت به تدریس زبان پرداخت و بیکال بعد برای ادا به تحصیل به آمریکا رفت. در آنجا در دانشگاه کلمبوس به تحصیل پرداخت که آنجا نیز استادانش از هوش و استعداد فوق العاده او تعجب میکردند و او را یکی از مغزهای ریاضی می - دانستند. شروع تحصیل او مصادف بود با واجبگری مبارزات مردم قهرمان ایران علیه رژیم سفاک و مرتجع شاهنشاهی، او مرتب از مواقع و احوال و خبرها نا تنی که در ایران میگذشت با اطلاع بود و آنها را در مسائل میگردد و مترصد بود که هر چه زودتر به ایران بازگردد. بعد از قیام خونین، بیستم ماه ۵۷ دیگر نتوانست بیشتر از این بدوری از وطن را تحمل کند. عشق به توده ها و همراهی آنان بودن و شریک بودن در مبارزاتشان او را به وطن کشاند و حتی دوستان خود را بدعوت به آمدن به ایران میگرد. چنانکه در نامه ای برای یکی از آنها نوشت: "تمیدانم چکار میکنی و در باره احوال و احوال جدید چه فکر میکنی و حالام تا به حد مصمم هستی که انگلیس بیامنی؟ من هم در اینجا با همان تفا درونی همیشگی روبرو هستم. از یکطرف رفتن از اینجا میدانم برایم هیچ چیزی به ارمان نخواهد داد و در او از طرف دیگر مانند در اینجا در این شرایط کار آسانی نیست ولی اینرا میدانم که برای من و بسیار رگسان مانند من رفتن، مرگ است. و مانند شاه بدزدگی، هر چند که این زندگی مظلومی از سببها میدخواهد بود ولی میتوان مطمئن بود که این جو بیاری که در آن به صید نشسته ای به

بسمه تعالی
کارم، همهمان را دوست دارم. اوصفا لا ارا
و این رفیق که شمشیر (علا محسن صالی)
ادام میماند. در انصورت است.
من فرام که برای مردم صدمها و راجع
توضیح دهید و به آنها بگوئید که تا کوز
چرا هم و فادار ماندم چون فکر کنم
را هم درست بود و فعالیت را فرام
همچون می نمیبینم بجز اینکه طرفدار
نرمگفتن هستم. امید دارم را ببخشید
فرزندتان، مملوک
۱۳/۲/۵۹

است ۱۳/۲/۵۹ است دست نه دانه سرشمان
میتونه فرهاد برد. کز کس این نامه را پیدا کنه
شانش حق کنه از راه آدرس اهواز - خابون
سرش - پلاک ۳ طب دکتر علوی بره
شکرتم مهدی علوی
آنها جان و دانه جان زندانم در کوز
جنتت سید با بزرگان می را با بوسم
با اینکه تیغ خن براتل بندم و با جلاصلی
ناراسته (م کز نام) ولی امید دارم مرا ببخشید
بمخسود و ادب و در این صدمه، لاله دهن خالم
و دل و زرد و رخ و رض دهن را زرد

سلام!
بچه ها و آقا جان حالشان چگونه است؟ بسیارم رنجام. شوام شده
من صا هر آرا یک کاری داشته باشم. فردا ملاقات است. اوصفا لا ارا
نامه میدهند. بعدا تا فردا خدا حافظ.
بچه سلام میارم

مهدی علوی
درد بر تمامی شهیدای بخون خفته خنیش و انشجویان انقلابی

